



ORIGINAL RESEARCH PAPER

## Civil Liability for the Manufacture and Distribution of Defective Products

*Mohammad Reza Karegar\*<sup>1</sup>, Siamak Jafarzadeh<sup>2</sup>, Seyed Mahdi Qoreyshi<sup>2</sup>*

**Received:**

08 Aug 2025

**Revised:**

16 Oct 2025

**Accepted:**

27 Nov 2025

**Available Online:**

22 Jun 2026

**Keywords:**

*Civil Liability,  
Compensation,  
Defective Product,  
Consumer Rights,  
Fault, Strict Liability.*

### Abstract

Civil liability arising from the production and distribution of defective products is one of the most critical issues in the field of consumer rights and protection of the injured party. In this type of liability, the focus is on compensating damages caused by the consumption of unsafe or defective goods, rather than merely proving the producer's fault. In many cases, especially in modern legal systems, the producer's liability may be established without the need to prove fault, merely based on the existence of a defect in the product. This approach has led to the development of supportive legal mechanisms and an increased burden of responsibility on manufacturers and distributors. This study, grounded in fundamental concepts of civil liability, examines the conditions under which liability for defective products is realized and analyzes its legal dimensions within the framework of existing Iranian laws. Key issues explored include the definition of defect, the role of warnings, safety obligations, and the scope of liability of producers and other actors in the distribution chain. The study also aims to identify legislative and practical gaps in domestic law that hinder effective consumer protection. The findings indicate that despite the existence of some supportive regulations in Iranian law, the absence of a comprehensive and cohesive legal framework on liability for defective products has led to divergent interpretations and limitations in fully compensating damages. Therefore, strengthening supervisory mechanisms, enacting clear and binding regulations for manufacturers, and enhancing consumer awareness are among the most important strategies for ensuring effective accountability in this area.

*1\* M.A Student in Private Law, University of Urmia, Urmia, Iran. (Corresponding Author)*

*Email: [Mohamadkargar78@gmail.com](mailto:Mohamadkargar78@gmail.com)*

*2 Associate Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, University of Urmia, Urmia, Iran.*

*Please Cite This Article As: Karegar, MR; Jafarzadeh, S & Qoreyshi, SM (2025). "Civil Liability for the Manufacture and Distribution of Defective Products". *Interdisciplinary Legal Research*, 7(2): 1-19.*



*This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)*

مقاله پژوهشی  
(صفحات ۱-۱۹)

## مسئولیت مدنی ناشی از تولید و توزیع محصولات معیوب

محمد رضا کارگر\*<sup>۱</sup>، سیامک جعفرزاده<sup>۲</sup>، سیدمهدی قریشی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. (نویسنده مسؤل)  
۲. دانشیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۷ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۴ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۶ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

### چکیده

مسئولیت مدنی ناشی از تولید و توزیع محصولات معیوب، یکی از مهم‌ترین مباحث در حوزه حقوق مصرف‌کننده و حمایت از زیان‌دیدگان است. در این نوع مسئولیت، تمرکز بر جبران خسارات ناشی از مصرف کالاهای ناسالم یا دارای نقص ایمنی است، نه صرفاً اثبات تقصیر تولیدکننده. در بسیاری موارد، به‌ویژه در نظام‌های نوین حقوقی، مسئولیت تولیدکننده ممکن است بدون نیاز به اثبات تقصیر و صرفاً بر مبنای وجود عیب در کالا برقرار گردد. این روند موجب توسعه نهادهای حمایتی و افزایش بار مسئولیت بر عهده تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان شده است. در پژوهش حاضر، با تکیه بر مفاهیم بنیادین مسئولیت مدنی، شرایط تحقق این مسئولیت در قبال محصولات معیوب بررسی شده و ابعاد حقوقی آن در چهارچوب قوانین موجود در ایران تحلیل می‌گردد. مفهوم عیب، نقش هشدارها، الزامات ایمنی و حدود مسئولیت تولیدکننده و سایر عوامل در زنجیره توزیع، از جمله محورهای اصلی این بررسی است. همچنین تلاش شده است تا خلأهای تقنینی و اجرایی در حقوق داخلی که مانع از تحقق حمایت مؤثر از مصرف‌کننده می‌شود، شناسایی گردد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که با وجود پیش‌بینی برخی مقررات حمایتی در قوانین داخلی، نبود قانون جامع و یکپارچه در زمینه مسئولیت ناشی از محصولات معیوب، زمینه بروز تفسیرهای گوناگون و محدودیت در جبران کامل خسارات را فراهم آورده است. از این رو، تقویت سازوکارهای نظارتی، تدوین مقررات روشن و الزام‌آور برای تولیدکنندگان و ارتقای آگاهی مصرف‌کنندگان، از مهم‌ترین راهکارهای تحقق مسئولیت‌پذیری مؤثر در این حوزه محسوب می‌گردد.

**کلمات کلیدی:** مسئولیت مدنی، جبران خسارت، محصول معیوب، حقوق مصرف‌کننده، تقصیر.

## مقدمه

## ۱- بیان موضوع

در عصر حاضر، با گسترش تولید انبوه و پیچیده شدن فرایندهای صنعتی، نقش و جایگاه مصرف‌کننده به‌عنوان یکی از ارکان اصلی روابط اقتصادی برجسته‌تر شده است. از سوی دیگر، افزایش مصرف کالاهای صنعتی، احتمال ورود محصولات معیوب به بازار و آسیب به حقوق مصرف‌کنندگان را نیز افزایش داده است. در چنین شرایطی، ضرورت وجود نظامی منسجم و کارآمد برای حمایت از حقوق زیان‌دیدگان ناشی از مصرف کالاهای ناسالم یا معیوب، بیش از پیش احساس می‌شود.

مسئولیت مدنی ناشی از تولید و توزیع محصولات معیوب، یکی از جلوه‌های نوین مسئولیت مدنی است که در آن تمرکز نه بر تقصیر تولیدکننده، بلکه بر وجود عیب در کالا و ضرورت جبران خسارت وارده به مصرف‌کننده قرار دارد. در بسیاری از نظام‌های حقوقی پیشرفته، با پذیرش اصل مسئولیت بدون تقصیر در قبال تولیدکنندگان، تحولی بنیادین در حمایت از مصرف‌کننده پدید آمده است. این تحول موجب افزایش سطح تعهدات تولیدکنندگان و ایجاد بار مسئولیتی سنگین‌تری برای آنان شده است.

در حقوق ایران نیز، هرچند مقررات پراکنده‌ای در زمینه مسئولیت ناشی از تولید کالاهای معیوب وجود دارد، اما نبود یک قانون جامع و روشن، موجب تفسیرهای متنوع و بعضاً متناقض در مراجع قضایی شده است. همین‌کلاً، سبب شده است تا بسیاری از زیان‌دیدگان به جبران کامل خسارت خود دست نیابند.

این پژوهش در پی آن است تا با بررسی مبانی نظری، شرایط تحقق و ابعاد حقوقی مسئولیت مدنی ناشی از محصولات معیوب، جایگاه تولیدکننده و سایر عوامل زنجیره توزیع را روشن سازد. همچنین تلاش می‌شود تا با تحلیل قوانین موجود در حقوق ایران، خلأها و نارسایی‌های تقنینی شناسایی شده و راهکارهایی برای تقویت نظام حمایت از مصرف‌کنندگان ارائه گردد.

## ۲- پیشینه تحقیق

سامان عسکری (۱۴۰۰) در مقاله‌ای به مسئولیت جبران خسارت ناشی از تولید کالای معیوب پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در میان مبانی متعددی که در رابطه با حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در برابر تولیدکنندگان کالاهای معیوب وجود

دارد، به‌نظر می‌رسد که مبنای مسئولیت محض بیشترین حمایت را نسبت به حقوق مصرف‌کنندگان داشته باشد، چراکه براساس مبنای مذکور مصرف‌کنندگان ملزم نیستند جهت مسؤول شناختن تولیدکنندگان کالاهای معیوب، تقصیر آن‌ها را اثبات نمایند و صرفاً مصرف‌کننده می‌بایست اثبات نماید که در زمان تولید کالاهای مذکور در کارخانه، عیب در آن وجود داشته و به‌واسطه وجود عیب مذکور به ایشان خساراتی وارد گردیده است.

علی آریایی‌پور (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به مسئولیت ناشی از کالاهای معیوب در حقوق تجارت بین‌الملل پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که یکسان‌سازی بین‌المللی حقوق مسئولیت مدنی تولیدکننده ناشی از خسارت کالاهای تولیدشده جهت فروش یا توزیع بین‌المللی یا کالاهایی که وارد این چرخه فروش یا توزیع گردیده‌اند، می‌تواند با ارائه سیستمی یکنواخت از قواعد مسئولیت باعث سهولت مبادلات بین‌المللی گردد.

## ۳- تبیین مفاهیم

مفهوم‌شناسی و مبانی نظری مسئولیت مدنی ناشی از کالاهای معیوب به بررسی مفاهیم پایه‌ای و اصول بنیادینی می‌پردازد که توجیه‌کننده لزوم جبران خسارت مصرف‌کنندگان در برابر آسیب‌های ناشی از محصولات معیوب هستند. مفهوم‌شناسی این حوزه شامل تعریف اصطلاحاتی، مانند «مسئولیت مدنی» و «محصول معیوب» است که هر کدام نقش کلیدی در تعیین حدود و قلمرو مسئولیت دارند.

## ۳-۱- مفهوم مسئولیت مدنی

مسئولیت مدنی، یکی از بنیادی‌ترین نهادهای حقوق خصوصی است که هدف آن جبران خسارات ناشی از فعل یا ترک فعل زیان‌بار افراد است. این مسئولیت، هنگامی تحقق می‌یابد که یک شخص به موجب عمل یا کوتاهی خود، موجب ورود زیان به دیگری شود و ملزم به جبران آن گردد. در فقه امامیه و قانون مدنی ایران، اصل لزوم جبران خسارت به‌صورت گسترده‌ای پذیرفته شده است، به‌گونه‌ای که ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتی یا به هر حق دیگر که به‌موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسؤول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد» (قانون مسئولیت مدنی، ماده ۱).

هزینه‌های خارجی ناشی از فعالیت‌های زیان‌بار، توزیع عادلانه ضرر، مجازات عامل زیان، تسلی خاطر زیان‌دیده و درنهایت، تأمین صلح و امنیت در جامعه.

بر این اساس، این دیدگاه که مسؤولیت مدنی تنها برای جبران خسارت و بازدارندگی وضع شده و تنها در صورت تحقق «تقصیر» محقق می‌شود، منطبق با واقع نیست، بلکه می‌توان از پذیرش «مسؤولیت بدون تقصیر» نیز سخن گفت، چراکه در برخی موارد، قانون یا مصلحت اجتماعی اقتضا می‌کند که حتی بدون اثبات تقصیر، مسؤولیت تحقق یابد (بادینی، ۱۳۹۱: ۱).

### ۳-۲- مفهوم محصول معیوب

یکی از ارکان اساسی در تحقق مسؤولیت مدنی ناشی از کالا، مفهوم «عیب» یا «نقص» در محصول است. به طور کلی، محصول معیوب کالایی است که ایمنی لازم را برای استفاده متعارف نداشته و برای مصرف‌کننده خطرآفرین باشد. فقها و حقوق‌دانان تعاریف متعددی از «عیب» ارائه کرده‌اند. شیخ انصاری عیب را «هرگونه زیاده یا نقیصه‌ای دانسته که برخلاف معتاد (عرف) در مال باشد و از قیمت آن بکاهد» (انصاری، ۱۴۱۶: ۲۶۵). این تعریف، معیار را «کاهش ارزش مالی» ناشی از خروج مال از حالت متعارف و عرفی قرار داده است. از سوی دیگر، برخی معتقدند که معیار شناسایی عیب، «فقدان ایمنی مورد انتظار» از منظر قانون است، چراکه ایمنی کالا یکی از حقوق اولیه مصرف‌کننده به‌شمار می‌رود و در نتیجه، تولیدکننده در قبال تأمین این ایمنی، مسؤولیت دارد (بزرگمهرزاده، ۱۳۸۵: ۴۵). با این حال، این معیار نیز کامل به‌نظر نمی‌رسد، زیرا برخی کالاها بنا به ماهیتشان همیشه دارای خطرات ذاتی‌اند و اساساً نمی‌توان ایمنی مطلق برای آن‌ها متصور بود.

برخی از استادان حقوق، عیب را «عاملی که از بهای کالا یا انتفاع مطلوب آن بکاهد» تعریف کرده‌اند (صفایی، ۱۳۹۵: ۲۸۳). به‌موجب این دیدگاه، برای آن‌که چیزی عیب تلقی شود، باید یکی از دو شرط را دارا باشد: یا ارزش اقتصادی کالا را کاهش دهد یا میزان انتفاع متعارف و مورد انتظار از آن را کم کند. در همین راستا، گروهی دیگر از حقوق‌دانان بر این باورند که عیب عبارت است از «وضعیتی در مورد معامله که برخلاف حالت سلامت و عادی آن باشد»، به‌گونه‌ای که نه‌تنها نقص در اصل خلقت، بلکه حتی افزونی یا انحرافی از حالت طبیعی نیز می‌تواند عیب محسوب شود (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۴۵). بنابراین آن‌چه

در ترمینولوژی حقوقی، «مسؤولیت مدنی» مفهومی است که به الزام شخص به جبران خساراتی که به دیگری وارد آورده، اطلاق می‌شود. این خسارات ممکن است ناشی از اعمال خود فرد، افراد تحت سرپرستی یا اشیایی باشد که تحت حراست یا نظارت او قرار دارند. همچنین این مسؤولیت می‌تواند در اثر تخلف از تعهدات قراردادی پدید آید. در این راستا، جعفری لنگرودی، حقوق‌دان برجسته، مسؤولیت مدنی را چنین تعریف کرده است: «مسؤولیت در مقام خسارتی که شخص یا کسی که تحت مراقبت یا اداره اوست یا اشیایی تحت حراست او به دیگری وارد می‌کند و نیز مسؤولیت ناشی از تخلف در انجام تعهدات قراردادی» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۴۱۱). این تعریف، مسؤولیت مدنی را در تقابل با مسؤولیت کیفری قرار می‌دهد که هدف آن بیشتر واکنش اجتماعی نسبت به جرم است تا جبران خسارت شخصی.

در نظام حقوقی کامن‌لا، وینفیلد، استاد حقوق و از شاخص‌ترین نظریه‌پردازان مسؤولیت مدنی در انگلستان، در کتاب راهنمای حقوق آکسفورد چنین می‌نویسد: «مسؤولیت مدنی ناشی از نقض تکلیفی است که ابتدائاً توسط قانون مقرر شده و در برابر عموم اشخاص برقرار گردیده است؛ نقض این تکلیف، با طرح دعوا برای مطالبه خسارات، قابل جبران است، در نتیجه، مسؤولیت مدنی مسؤولیتی است که فرد موظف است براساس آن، خسارتی را که به دیگری وارد کرده یا ناشی از اعمال اشخاص یا اشیایی تحت سلطه او بوده، جبران نماید».

در نامه حقوقی مؤسسه پیتان، مسؤولیت مدنی چنین تعریف شده است: «به‌طور کلی، هر نوع تعهدی که برای عامل فعل زیان‌بار یا اشخاص مشخص‌شده از سوی قانون ایجاد می‌شود تا ضرر واردشده به زیان‌دیده را - که ناشی از فعل نامشروع مدنی است، خواه دارای جنبه کیفری باشد یا نه - جبران کند و این جبران معمولاً به‌شکل پرداخت مبلغی به‌عنوان خسارت انجام می‌شود» (احسان‌بخش و بابائی، ۱۳۹۵: ۳).

در تعریف دیگری که از سوی یکی از حقوق‌دانان در کتاب فلسفه مسؤولیت مدنی ارائه شده، آمده است: «مسؤولیت مدنی ترکیبی از ارزش‌های مرتبط با سودمندی اجتماعی و اصول اخلاقی است.» به باور وی، مسؤولیت مدنی تنها ابزار برقراری عدالت صوری میان دو طرف دعوا نیست، بلکه اهداف گسترده‌تری را دنبال می‌کند، از جمله جبران خسارت، بازدارندگی، درونی‌سازی

#### ۴- روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله به صورت توصیفی - تحلیلی می باشد.

#### ۵- بحث و نظر

##### ۱-۵-۱- شرایط تحقق مسئولیت مدنی در قبال محصولات معیوب

تحقق مسئولیت مدنی ناشی از تولید و توزیع محصولات معیوب، مستلزم وجود شرایطی است که در کنار یکدیگر، زنجیره منطقی ورود زیان به مصرف کننده و مسئولیت تولیدکننده را شکل می دهند. این شرایط معمولاً شامل سه رکن اصلی است: وجود عیب در کالا، ورود خسارت به مصرف کننده و رابطه سببیت میان عیب و خسارت. در ادامه، این شرایط را به تفصیل بررسی می کنیم.

##### ۱-۵-۱-۱- وجود عیب یا نقص در محصول

عیب یا نقص در کالا، به عنوان نقطه آغاز مسئولیت مدنی تولیدکننده، باید به گونه ای باشد که ایمنی متعارف کالا را زیر سؤال ببرد. این عیب می تواند ناشی از نقص در طراحی، خطای تولید، یا فقدان هشدارهای لازم باشد. به عنوان نمونه، ماده ۴ آیین نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان (مصوب ۱۳۹۰) به صراحت بیان می دارد که عدم رعایت مشخصات فنی، به کارگیری مواد نامرغوب یا ناقص و نقص در بسته بندی، از مصادیق کالای معیوب محسوب می شوند (وزارت صنعت، معدن و تجارت، ۱۳۹۰).

در تکمیل این مبحث، باید توجه داشت که معیار تشخیص عیب، انتظاری است که مصرف کننده متعارف از یک کالا دارد، یعنی کالایی که به صورت منطقی ایمن باشد و در شرایط عادی استفاده، خطری برای سلامت یا دارایی مصرف کننده ایجاد نکند. به بیان دیگر، حتی اگر کالا مطابق با مشخصات فنی تولید شده باشد، ولی استفاده از آن منجر به بروز خطراتی شود که مصرف کننده را غافلگیر کند، آن کالا ممکن است معیوب تلقی گردد، به ویژه در محصولاتی که ماهیت آن ها با ریسک همراه است - مانند لوازم الکترونیکی، داروها یا مواد غذایی - لزوم شفاف سازی خطرات احتمالی اهمیت دوچندان می یابد. در این میان، نقش هشدارهای کافی و دستورالعمل های دقیق نیز کلیدی است، زیرا فقدان این اطلاعات می تواند موجب مسئولیت تولیدکننده، حتی در صورت عدم وجود نقص فنی در کالا گردد. این گستره تعریف از عیب، نقطه اتصال میان جنبه های فنی و الزامات حقوقی در تعیین مسئولیت تولیدکننده است.

ملاک نهایی شناسایی عیب به شمار می آید، انتظار عرفی مصرف کننده از کالا است. به عبارت دیگر، هر چیزی که از ارزش اقتصادی یا انتفاع متعارف کالا بکاهد، عرفاً عیب محسوب می شود و معیار تشخیص نهایی آن، عرف و عادت زمان و مکان انعقاد قرارداد است.

قانون مدنی ایران تعریف مشخصی از «عیب» ارائه نداده و آن را به داوری عرف واگذار کرده است. به ویژه ماده ۴۲۶ قانون مدنی تصریح می کند: «تشخیص عیب برحسب عرف و عادت می شود و بنابراین ممکن است برحسب ازمنه و امکانه مختلف شود.» این ماده به روشنی نشان می دهد که شناسایی عیب امری نسبی و تابع شرایط مکانی و زمانی است، مثلاً در مورد کالای دسته دوم، عرف ممکن است برخی نواقص را که نتیجه مصرف پیشین است، عیب تلقی نکند، حال آن که همان نواقص در کالای نو، حتماً عیب محسوب می شوند.

در حوزه حمایت از حقوق مصرف کننده نیز قانون گذار تعریف مستقلی از عیب ارائه کرده است. ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مقرر می دارد: «منظور از عیب، زیاده یا نقیصه یا تغییر حالتی است که موجب کاهش ارزش اقتصادی کالا یا خدمت گردد.» این تعریف، برخلاف قانون مدنی، با صراحت بیشتری مصادیق عیب را مشخص کرده و از دیدگاه حمایت گرایانه، قصد دارد منافع مصرف کننده را در برابر کیفیت پایین یا خطرآفرینی کالا حفظ کند.

در سطح بین المللی، دستورالعمل های اتحادیه اروپا نیز تعریفی مشابه از کالاهای معیوب ارائه داده اند. براساس این دستورالعمل ها، هر کالایی که با انتظار عرفی مصرف کننده در تعارض باشد، معیوب تلقی می شود. با این حال، طبق ماده ۱۲ دستورالعمل اتحادیه اروپا، علم یا ناآگاهی مصرف کننده در زمان معامله تأثیری در شناسایی یا نفی عیب ندارد. این موضع برخاسته از باور به عدم توازن اطلاعاتی میان تولیدکنندگان و مصرف کنندگان است، چراکه تولیدکنندگان عموماً در قالب شرکت های تخصصی و با مشاوره فنی و حقوقی فعالیت می کنند، در حالی که مصرف کنندگان معمولاً فاقد دانش فنی کافی هستند و به طور فردی وارد قرارداد می شوند. بر همین مبنای هرگونه شرطی که مسئولیت تولیدکننده را نسبت به عیوب کالا محدود یا ساقط کند، در قوانین اتحادیه اروپا ممنوع اعلام شده است (Benohr, 2020: 118).

## ۱-۵-۲- ورود زیان به مصرف‌کننده

وجود زیان شرط دوم در تحقق مسؤلیت مدنی است. این زیان می‌تواند مادی (مانند آسیب جسمی یا تخریب مال) یا معنوی (مانند رنج روحی، ترس یا اضطراب) باشد. ماده ۱ قانون مسؤلیت مدنی ایران صراحتاً به هر دو نوع خسارت اشاره دارد. همچنین دیوان عالی کشور در رأی وحدت‌رویه شماره ۷۷۳ (۱۳۹۸) بر امکان مطالبه خسارت معنوی ناشی از نقص کالا نیز تأکید کرده است.

افزون بر این باید گفت که زیان در معنای حقوقی خود، به کاهش دارایی مثبت یا افزایش دارایی منفی فرد تعبیر می‌شود و ناظر بر هرگونه خلل در وضعیت پیشین زیان دیده است (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۲۸۵). بنابراین خسارات اقتصادی ناشی از مصرف کالای معیوب، از جمله هزینه‌های درمان، از کارافتادگی، کاهش درآمد و حتی هزینه‌های جایگزینی کالا، همگی در شمول این مفهوم قرار می‌گیرند. افزون بر این، ماده ۱۸ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان (مصوب ۱۳۸۸) نیز صراحت دارد که در صورت ورود خسارت به مصرف‌کننده به واسطه عیب کالا یا خدمات، متخلف علاوه بر جبران خسارت به جزای نقدی نیز محکوم خواهد شد. این گستره شمول خسارات به‌ویژه در رویه قضایی در حال گسترش است، چنان که رأی وحدت‌رویه شماره ۷۷۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور (منتشر شده در روزنامه رسمی شماره ۲۱۹۵۷ مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۱۶) به صراحت خسارات معنوی، از جمله ترس، نگرانی و رنج روانی را نیز قابل مطالبه دانسته است و بدین ترتیب امکان بازیابی حقوقی برای طیف وسیعی از خسارات فراهم شده است.

## ۳-۱-۵- رابطه سببیت میان عیب و خسارت

سومین شرط لازم، اثبات رابطه علیت بین نقص موجود در محصول و زیان وارده است. در نظام سنتی حقوقی، اثبات این رابطه برعهده زیان‌دیده بوده است، اما در بسیاری از نظام‌های مدرن، نظیر حقوق فرانسه یا اتحادیه اروپا، بار اثبات تا حد زیادی بر تولیدکننده یا توزیع‌کننده منتقل شده است (Schulze, 2021: 117).

در ایران نیز گرچه اصل بر عهده‌بودن اثبات رابطه سببیت بر عهده زیان‌دیده است، اما برخی نظریات فقهی و قضایی بر پذیرش «ظن غالب» در تحلیل علیت تأکید دارند، بدین معنا که چنانچه وجود عیب در کالا به‌طور متعارف منجر به نوعی

خسارت شود، فرض علیت پذیرفته خواهد شد (خسروی، ۱۴۰۰: ۴۲).

همچنین برخی از رویه‌های قضایی داخلی نیز به تدریج در مسیر پذیرش مسؤلیت مبتنی بر فرض علیت حرکت کرده‌اند. برای نمونه، در رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۳۱۰۰۶۷۲ صادره از شعبه ۳۱ دادگاه تجدید نظر استان تهران، دادگاه باتوجه به شباهت زیاد میان نوع عیب در محصول و خسارت وارده، نیازی به ارائه دلایل فنی گسترده از سوی خواهان ندانسته و رابطه علیت را مفروض گرفته است. این رویکرد نشان‌دهنده آن است که دادگاه‌ها، به‌ویژه در مواردی که دسترسی خواهان به ادله تخصصی دشوار است، حاضرند با استناد به قرائن عرفی یا تخصصی موجود، بار اثباتی را تعدیل کرده و اصل را بر وجود رابطه علیت بگذارند. چنین نگاهی با اصول انصاف و حمایت از مصرف‌کننده نیز هم‌راستا بوده و می‌تواند زمینه‌ساز توسعه مسؤلیت مدنی در حوزه محصولات معیوب در نظام حقوقی ایران گردد.

## ۲-۵- مبانی مسؤلیت مدنی در تولید و توزیع محصول معیوب

در نظام حقوقی، «مسؤلیت مدنی» به معنای تعهد قانونی شخص به جبران خسارتی است که به دیگری وارد شده، چه این زیان ناشی از تقصیر مستقیم وی باشد و چه از فعالیت‌های او ناشی شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۶۷۲). برخی دیگر، مسؤلیت مدنی را به صورت «تکلیف شخص به جبران زبانی که در نتیجه عمل نامشروع به دیگری وارد شده است» تعریف کرده‌اند (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۸: ۵۵).

در گذشته، به دلیل آشنایی نسبی مصرف‌کنندگان با کالاهای موجود در بازار، تولیدکنندگان به‌طور معمول در برابر خسارات ناشی از ناآشنایی مصرف‌کننده با محصول مسؤلیتی نداشتند. طبق قواعد سنتی مسؤلیت مدنی، مصرف‌کننده نیز مانند سایر زیان‌دیدگان باید برای دریافت خسارت ناشی از عیب کالا یا خدمت، تقصیر تولیدکننده را اثبات می‌کرد (بادینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۱).

مبنای سنتی مسؤلیت مدنی تولید و عرضه‌کنندگان عمدتاً بر نظریات زیر استوار بود:

## ۵-۲-۱- مسؤلیت قراردادی

در حقوق سنتی، مسؤلیت عرضه‌کننده کالا و خدمات در وهله نخست، مبتنی بر قرارداد بوده و به رابطه میان عرضه‌کننده و

پیش‌بینی بوده یا عرفاً قابل پیش‌بینی تلقی شود. بنابراین متعهد تنها در برابر خساراتی مسؤول خواهد بود که در زمان عقد قرارداد قابل پیش‌بینی بوده‌اند، مگر این که خسارات وارده ناشی از تقصیر عمدی یا تقصیر فاحش متعهد باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۸: ۸۴).

همچنین مسؤولیت ناشی از عیوب کالا یا خدمات تنها در صورتی متوجه تولیدکننده یا فروشنده خواهد بود که قرارداد به‌صراحت یا به‌طور ضمنی دلالت بر چنین مسؤولیتی داشته باشد و طرف دیگر نیز از عیوب مبیع اعلام تبری نکرده یا شرط عدم مسؤولیت پیش‌بینی نشده باشد.

#### ۵-۲-۲- نظریه تقصیر

در نظریه تقصیر، مسؤولیت مدنی مبتنی بر انجام‌ندادن یک عمل واجب یا ارتکاب عملی است که نباید صورت گیرد. به بیان دیگر، هرگاه فردی از رفتار متعارف عدول کند، مرتکب تقصیر شده است. مطابق ماده ۹۵۳ قانون مدنی، تقصیر شامل تعدی و تفریط است. ماده ۹۵۱ قانون مدنی، تعدی را تجاوز از حدود اذن یا رفتار متعارف در ارتباط با مال یا حق دیگران دانسته و ماده ۹۵۲ تفریط را ترک عملی می‌داند که طبق قرارداد یا عرف برای حفظ مال غیرضروری است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ۱۷۵). با این حال، قانون‌گذار ایران در تبیین دقیق این مفاهیم و تعیین مرزهای روشن بین آن‌ها چندان دقت نکرده و گاهی نیز واژگان رایج را به معانی متفاوتی به کار برده است (الو، ۱۳۷۹: ۴۶).

نظریه تقصیر از دیدگاه مسؤولیت مدنی، یک نظریه سنتی است که تا اواخر قرن نوزدهم در غرب رایج بود و بر این مبنا تنها در صورت ارتکاب تقصیر - اعم از عمدی یا غیرعمدی - می‌توان فردی را مسؤول شناخت. اثبات این تقصیر نیز به‌طور کلی برعهده زیان‌دیده است (Boger, 1983: 11). در قرن بیستم، مفهوم سنتی تقصیر دستخوش تغییر شده و مفهومی اجتماعی و نوعی از آن ارائه شده است؛ در این معنا، تقصیر به‌معنای خروج از رفتار یک انسان متعارف در شرایط مشابه است و الزامی به بررسی وضعیت ذهنی فرد یا قابلیت سرزنش وی نیست (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۸: ۱۴۷-۱۴۹). به این ترتیب، تقصیر به‌معنای تجاوز از حد متعارف و شامل تعدی و تفریط تلقی می‌شود.

ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، به‌وضوح بیان می‌دارد که: «هرکس بدون مجوز قانونی، عمداً یا بر اثر بی‌احتیاطی به جان، مال، حیثیت یا هر حق قانونی دیگری لطمه وارد کند که

مصرف‌کننده اولیه محدود می‌شد. مسؤولیت قراردادی تولیدکننده در برابر عیوب تولید زمانی قابل طرح بود که یک قرارداد معتبر وجود داشت و از سوی تولیدکننده، تعهدی نقض شده و در نتیجه آن، به طرف دیگر قرارداد خسارت وارد شده باشد. در این شرایط، اثبات رابطه سببیت بین نقض تعهد و ورود خسارت ضروری بود (Geistfeld, 1999: 349).

براساس این نظریه، مسؤولیت تولیدکننده تنها شامل خسارات ناشی از عیب تولید در برابر مصرف‌کننده ابتدایی می‌شد و نسبت به مصرف‌کنندگان با واسطه مسؤولیتی نداشت. با این حال، این وضعیت که در راستای منافع سرمایه‌داری نوظهور قرار داشت، به تدریج ناکارآمدی خود را نشان داد، چراکه محدودکردن دامنه مسؤولیت به صرف قرارداد، با عدالت اجتماعی در تعارض بود و نمی‌توانست نیازهای جدید مصرف‌کنندگان را پاسخ دهد. بنابراین نیاز به گسستن از چهارچوب محدود مسؤولیت قراردادی احساس شد (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۴۲).

در مسؤولیت ناشی از قرارداد، اثبات تقصیر متعهد برای تحقق مسؤولیت لازم نیست، چراکه صرف نقض قرارداد، خود به‌عنوان تقصیر تلقی می‌شود و متعهد باید خسارات ناشی از آن را جبران نماید، حتی اگر وی بتواند اثبات کند که نهایت تلاش خود را برای انجام تعهد به کار برده است، همچنان در برابر زیان‌های وارده مسؤول خواهد بود، مگر این که ثابت کند نقض قرارداد ناشی از عاملی خارجی بوده است (داراب‌پور، ۱۳۸۷: ۱۴۷).

با این حال، مبنای قراردادی مسؤولیت با چالش‌های متعددی مواجه است، از جمله این که در همه موارد رابطه قراردادی بین زیان‌دیده و عرضه‌کننده وجود ندارد. از سوی دیگر، جبران خسارت در این نظام صرفاً محدود به مفاد قرارداد است. بنابراین اگر شروط خاصی پیش‌بینی نشده باشد، قواعد عمومی ملاک عمل قرار می‌گیرند که ممکن است در عمل مشکلاتی ایجاد کند. برای مثال، در حقوق ایران، در صورت معیوب‌بودن کالا، خیار فسخ در نظر گرفته شده است و طرف قرارداد می‌تواند معامله را فسخ کرده یا ارش (تفاوت قیمت کالای سالم و معیوب) مطالبه نماید (سیمایی صراف و اسفندی، ۱۳۹۶: ۲۰۸).

در مورد امکان جمع بین فسخ و مطالبه خسارت یا مطالبه خسارتی بیش از ارش، میان حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد. در مسؤولیت قراردادی، ضرر باید هنگام انعقاد قرارداد قابل

**۴-۲-۵- نظریه اماره تقصیر**

یکی از این راهکارها استفاده از اماره تقصیر است. در این روش، فرض بر تقصیر عرضه‌کننده گذاشته می‌شود و او باید بی‌تقصیری خود را ثابت کند. این فرض بر مبنای حرفه‌ای بودن عرضه‌کننده و آگاهی او از فرآیند تولید و عیوب احتمالی کالا استوار است (جعفری‌تبار، ۱۳۷۵: ۲۶). برخی پیشنهاد داده‌اند این قاعده به عرضه‌کنندگان غیرحرفه‌ای نیز تسری یابد تا سطح دقت و ایمنی در تولید افزایش یابد.

اما اماره تقصیر نیز در مواردی که عیب ناشی از عوامل دیگر یا اشخاص ثالث باشد، کارایی چندانی ندارد (Baker, 1972: 144). در چنین شرایطی باید به سراغ نظریه‌های دیگر رفت.

**۵-۲-۵- نظریه تضمین**

از جمله نظریات نوین، نظریه تضمین است که توسط استارک مطرح شده است. برخلاف نظریه‌های تقصیر یا خطر که صرفاً به عامل زیان توجه دارند، نظریه تضمین وضعیت زیان‌دیده را نیز مد نظر قرار می‌دهد. استارک بر این باور است که هر فرد حق حیات و سلامت جسمی دارد و این حقوق باید مورد حمایت مطلق قرار گیرد. اگر لطمه‌ای به این حقوق وارد شود، باید جبران گردد، صرف نظر از این که مقصر کیست (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۸: ۶۷-۶۶).

بر اساس این نظریه، تولیدکننده نه فقط در برابر خریدار مستقیم، بلکه در برابر تمامی مصرف‌کنندگان مسؤول تضمین سلامت و ایمنی کالا است. این تضمین به صورت صریح یا ضمنی در هر معامله وجود دارد (جعفری‌تبار، ۱۳۷۵: ۳۹-۴۰). همچنین اگر کالا برای منظور خاصی فروخته شود، تضمین ضمنی بر مناسب بودن آن برای آن منظور نیز وجود دارد (بزرگمهرزاده، ۱۳۸۵: ۱۲۹).

در برخی کشورها، دادگاه‌ها با هدف حمایت از مصرف‌کننده، تعهداتی نظیر اطلاع‌رسانی درباره نحوه استفاده یا خطرات کالا را به قرارداد اضافه می‌کنند. در این صورت، عرضه‌کننده تنها با اثبات وقوع حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی و اجتناب‌ناپذیر می‌تواند از مسؤولیت معاف شود (Baker, 1972: 153-154).

با این حال، این نظریه نیز با ایراداتی مواجه است، از جمله این که تضمین باید در قالب قرارداد باشد و اشخاصی که اساساً طرف قرارداد نبوده‌اند، از آن بهره‌ای نمی‌برند. همچنین تولیدکننده

موجب زیان مادی یا معنوی دیگری شود، موظف به جبران خسارت است. بنابراین طبق این نظریه، وجود تقصیر برای انتساب مسؤولیت مدنی ضروری است و اثبات آن نیز برعهده زیان‌دیده است (Fischer & Powers, 1994: 4). یکی از ایرادات مهم این نظریه، دشواری اثبات تقصیر توسط مصرف‌کننده است، چرا که فرآیند تولید پیچیده است و تولیدکنندگان از ابزار و قدرت بیشتری برای دفاع برخوردارند (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۸۰). همچنین در مواردی که ضرر مبتنی بر تقصیر نیست، تولیدکننده به دلیل توانایی در توزیع هزینه‌ها از طریق افزایش قیمت کالاها، باید بار این خسارات را بر دوش کشد.

از دیگر اشکالات این نظریه می‌توان به این نکته اشاره کرد که اثبات رفتار غیرمعارف تولیدکننده برای مصرف‌کنندگان به دلیل فقدان تخصص و امکانات دشوار است. افزون بر این، نظریه تقصیر تنها در مواردی پاسخگو است که ضرر قابل پیش‌بینی باشد (عبدپور و پرتو، ۱۳۹۰: ۱۳۸-۱۴۰)، درحالی که در بسیاری از موارد، زیان‌دیده نقشی در بروز ضرر نداشته و صرفاً به دلیل یک اتفاق متضرر شده است (Hodges, 2000: 88-90).

**۵-۲-۳- نظریه تسبیب**

نظریه تسبیب نیز که از نظریه تقصیر منشأ گرفته، تلاش دارد بار اثبات تقصیر را کاهش دهد. در این نظریه، ضرورتی به وجود رابطه قراردادی میان زیان‌دیده و تولیدکننده نیست، بلکه صرف ورود کالای معیوب به بازار از سوی تولیدکننده نوعی خطا تلقی می‌شود. بنابراین فروشنده یا تولیدکننده مسؤول خسارت ناشی از کالای معیوب است، مشروط بر آن که رابطه سببیت میان عیب کالا و ضرر اثبات شود (قاسمی حامد و خالدی، ۱۳۹۱: ۱۷۶). ماده ۳۳۳ و ۳۳۴ قانون مدنی و ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی نیز در این راستا قابل استناد هستند.

با این حال، دشواری در اثبات رابطه سببیت و دخالت اسباب متعدد از مشکلات عمده این نظریه است (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۴۸)، به‌ویژه در مواردی که تولیدکننده باوجود رعایت احتیاط، کالایی معیوب عرضه کرده باشد، استفاده از این نظریه پیچیده می‌شود (قاسمی حامد و خالدی، ۱۳۹۱: ۱۷۸).

در پاسخ به کاستی‌های دو نظریه فوق، نظریه‌های نوین در نظام‌های پیشرفته حقوقی پدید آمده‌اند که بیشتر بر حمایت از مصرف‌کننده تمرکز دارند (بادینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۱).

مصرف کننده فاقد دانش فنی و امکانات لازم برای اثبات تقصیر تولیدکننده است (Rollo, 1983: 1087). از این رو، فرض مسئولیت محض، با توجه به نابرابری میان تولیدکننده و مصرف کننده، سازوکاری حمایتی برای حفظ حقوق عمومی و شخصی فراهم می‌آورد.

استدلال‌هایی که در توجیه مسئولیت محض مطرح شده‌اند، عبارتند از: نخست، برخی کالاها برای جامعه ضروری‌اند و باید بی‌خطر باشند، حال آن‌که مصرف‌کنندگان توان فنی برای تشخیص یا مقابله با خطرات ندارند؛ دوم، تبلیغات تولیدکننده‌ها موجب ایجاد اعتماد به ایمنی کالا می‌شود و فروشندگان واسطه نیز معمولاً نقشی در تولید و کنترل کیفی کالا ندارند. بنابراین مسئولیت باید مستقیماً متوجه تولیدکننده باشد؛ سوم، اگر مسئولیت فقط برعهده فروشنده نهایی قرار گیرد، زنجیره‌ای از دعاوی رجوعی در پی خواهد آمد که هزینه‌های اداری و حقوقی نظام مسئولیت را افزایش می‌دهد (Noah, 2017: 202-203).

از منظر اقتصادی، مسئولیت محض این پیام را به تولیدکنندگان می‌دهد که باید درجهت ایمنی و پیشگیری از عیوب سرمایه‌گذاری کنند، چون تولیدکننده معمولاً اطلاعات بیشتری درباره ریسک‌ها دارد و با هزینه‌ای کمتر می‌تواند از بروز ضرر جلوگیری کند، بار مسئولیت باید برعهده او باشد. این تحلیل موجب کاهش هزینه‌های حادثه، پیشگیری، مراقبت و پیگیری حقوقی می‌شود (Barnes, 1992: 122-123).

از جمله راهکارهای کاربردی در چهارچوب مسئولیت محض، می‌توان به بیمه کردن ریسک‌های ناشی از عیوب تولید اشاره کرد. این بیمه می‌تواند با انتقال هزینه به قیمت نهایی کالاها، مخصوصاً کالاهایی که مصرف‌کنندگان ثروتمندتری دارند، زمینه توزیع ضرر در جامعه را فراهم آورد. بدون این ابزار، ممکن است دادگاه‌ها در محکوم کردن تولیدکنندگانی که تقصیر مستقیم ندارند، تردید کنند (بادینی، ۱۳۹۱: ۵۲۰).

در نهایت، مسئولیت محض رویکردی است که با کنار گذاشتن الزامات سنتی نظیر اثبات تقصیر، تمرکز خود را بر حمایت از مصرف‌کننده و توزیع عادلانه زیان‌ها در جامعه قرار می‌دهد. این مسئولیت، اخلاق فردی را با مسئولیت سازمانی جایگزین می‌کند، زیرا در زنجیره تولید پیچیده، یافتن مقصر مشخص دشوار است. از این رو، مسئولیت به نهاد یا سازمان تولیدکننده نسبت داده

می‌تواند با گنجانیدن شروط سلب مسئولیت، از این تضمین شانه خالی کند (جابری، ۱۳۸۶: ۳۵-۳۸).

### ۶-۲-۵- نظریه مسئولیت محض

در نظریه مسئولیت محض، مبنای مسئولیت مدنی تولیدکننده کالا، نه تقصیر او، بلکه وجود عیب در کالا و تحقق ضرر ناشی از آن است. این نوع مسئولیت، به‌ویژه در زمینه عیوب تولید، در حقوق کشورهای چون اعضای اتحادیه اروپا پذیرفته شده است. هدف از آن، حمایت مؤثرتر از مصرف‌کنندگان در برابر خسارات گسترده و گاه جبران‌ناپذیری است که ممکن است ناشی از محصولات معیوب باشند (Rollo, 2004: 1084). در این نظام، خواهان صرفاً باید وجود کالا، وقوع ضرر و ارتباط میان عیب و ضرر را اثبات کند. بنابراین اثبات بی‌اطلاعی یا رعایت دقت کافی از سوی تولیدکننده یا عرضه‌کننده تأثیری در رفع مسئولیت او ندارد، مگر در مواردی چون بروز قوه قاهره که رابطه سببیت را قطع می‌کند.

تفاوت نظریه مسئولیت محض با مسئولیت مطلق در این است که در مسئولیت مطلق، حتی وجود رابطه‌ای میان عامل زیان و ورود ضرر نیز ضروری نیست، درحالی‌که در مسئولیت محض، احراز رابطه سببیت میان عیب کالا و خسارت لازم است (بادینی، ۱۳۹۱: ۵۲۱). از سویی دیگر، مسئولیت محض را باید از فرض تقصیر نیز متمایز دانست، چراکه در فرض تقصیر، عامل زیان با اثبات بی‌احتیاطی‌اش از مسئولیت مبرا می‌شود، اما در مسئولیت محض، چنین دفاعی پذیرفته نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۸۶).

از دیدگاه برخی حقوق‌دانان، این نظریه به‌رغم نام آن، خالی از مفهوم تقصیر نیست. بر این اساس، وجود عیب در کالا، خواه ناشی از نقص هشدارهای ایمنی یا نبود ویژگی‌های مورد انتظار در کاربرد متعارف آن باشد، نشان‌دهنده نوعی قصور اقتصادی از سوی تولیدکننده است، یعنی اگر پیش‌بینی خطر با هزینه‌ای متعارف ممکن بوده، ولی تولیدکننده از انجام آن خودداری کرده باشد، مرتکب تقصیر اقتصادی شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۸۶). در این تحلیل، مسئولیت نه براساس اخلاق فردی، بلکه مبتنی بر کارآمدی اقتصادی، ملاحظات اجتماعی و عدالت توزیعی در جامعه پایه‌گذاری می‌شود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۸: ۷۰).

حقوق اقتصادی اقتضا دارد که تمرکز بیشتر بر پیامدهای ناشی از عیب کالا باشد تا بررسی دقیق رفتار عرضه‌کننده، زیرا معمولاً

حقوق مصرف‌کنندگان، کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات به‌صورت منفرد یا مشترک، مسؤول صحت و سلامت کالاها مطابق با ضوابط قانونی، مفاد قرارداد و عرف معامله هستند. در معامله‌های کلی، در صورت وجود عیب یا عدم انطباق کالا با شرایط تعیین‌شده، مشتری حق دارد تنها کالا سالم را مطالبه کند، در حالی که در معاملات جزئی (عین معین)، مشتری می‌تواند معامله را فسخ نموده یا تفاوت ارزش کالاهای معیوب و سالم را مطالبه کند؛ در حالت فسخ معامله، خسارت پرداختی از عرضه‌کننده منتفی می‌شود.

به‌طور کلی، عدم تحویل کالاهای سالم موجب خسارت به مصرف‌کننده و ایجاد مسؤولیت برای تولیدکننده یا عرضه‌کننده می‌شود. در ماده مذکور، تأکید بر تعهد عرضه‌کننده به تحویل کالاهای سالم و بدون عیب است که از سوی قوه قاهره تنها قابل رفع است، لذا در ادامه ارجاع به قوانین، قراردادها و عرف نشان می‌دهد که مسؤولیت عرضه‌کننده بر مبنای تقصیر استوار شده و تضمین سلامت کالا به‌منزله مسؤولیت غیرقراردادی، به‌ویژه در رابطه با مصرف‌کننده نهایی که رابطه قراردادی مستقیمی با تولیدکننده ندارد، توجیه می‌شود. به همین جهت، نظریه تقصیر در عصر صنعتی با توجه به توسعه صنعت و ضرورت حمایت از مصرف‌کنندگان، جای خود را به تعهد به نتیجه که مسؤولیت تولیدکننده را در تحویل کالاهای سالم تضمین می‌کند، واگذار نموده است (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۴۰/۳؛ جنیدی، ۱۳۸۱: ۴۷).

#### ۴-۵- مبنای مسؤولیت مدنی در تولید و توزیع محصول معیوب در فقه اسلامی

در فقه اسلامی، مسؤولیت مدنی تولیدکننده عمدتاً بر مبنای رعایت عدالت و مساوات در معاملات استوار است. اسلام در تلاش است تا از سودجویی غیرمنصفانه در تأمین نیازهای مردم جلوگیری کرده و به همین دلیل احکام متعددی همچون تحریم ربا و نهی از احتکار را وضع کرده است. خداوند در آیه ۲۹ سوره نساء می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را به ناحق نخورید، مگر این که دادوستدی با رضایت طرفین صورت گرفته باشد.» بدیهی است که اگر کالایی نامناسب یا نایمن باشد، در واقع نوعی تصرف ناروا در مال دیگری تلقی می‌شود، چراکه رضایت واقعی بر مبنای آگاهی کامل نبوده است.

می‌شود. در این مدل، تولیدکننده برای جلوگیری از تحمل خسارات سنگین، ناچار به بیمه کردن محصولات و افزایش کیفیت آن‌ها می‌شود. با انتقال هزینه بیمه به قیمت کالا، مصرف‌کننده در برابر خسارت‌های احتمالی پوشش می‌یابد و رفاه اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

#### ۳-۵- مبنای مسؤولیت مدنی در تولید و توزیع محصول معیوب در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران، عدم رعایت ضوابط تولید کالا به‌عنوان یکی از مبنای اساسی در بروز عیب کالا محسوب می‌شود که تولیدکننده را ملزم به جبران خسارت مصرف‌کننده می‌نماید. طبق قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان (۱۳۸۸)، عرضه‌کنندگان اعم از تولیدکننده یا ارائه‌دهنده خدمات، مسؤول صحت و سلامت کالا هستند. بسیاری از موارد جبران خسارت ناشی از عیب کالا تنها از طریق تعویض کالا و استرداد کالا به مصرف‌کننده تحقق می‌یابد؛ امری که به‌نوعی تعهد مبادله‌ای محسوب شده و نیازمند رضایت تولیدکننده برای انجام عمل صحیح حقوقی است (قاسمی، ۱۳۷۷: ۲۳).

بنابراین الزام به تعویض کالا بدون تصریح قانونی، تعهد جداگانه‌ای بر مبنای آزادی اراده و وجود قصد و رضا (بند ۱، ماده ۱۹۰ ق.م) محسوب می‌شود که قابل اعمال به همه موقعیت‌های فروش نیست، در نتیجه مسؤولیت قراردادی اولین مبنای مسؤولیت تولیدکننده کالا تلقی می‌گردد، زیرا طبق مقررات قانون مدنی ایران، در صورت تسلیم کالای معیوب، خریدار می‌تواند از خیار عیب استفاده کرده و یا معامله را فسخ کرده و ثمن پرداختی را استرداد نماید یا به اخذ ازش مبیع اقدام کند.

با این حال، برخورد قانونی بر مبنای مسؤولیت قراردادی معمولاً محدود به رابطه خریدار و فروشنده بوده و امکان تعمیم آن به تولیدکننده برای جبران خسارت ناشی از عیب کالا را فراهم نمی‌آورد. از سوی دیگر، نظریه تقصیر که الزام اثبات تقصیر تولیدکننده یا ارائه‌دهنده کالا را در پی دارد، برای مصرف‌کننده دشوار عمل می‌کند، لذا پذیرش مسؤولیت محض به‌عنوان رویکردی جایگزین در این عرصه ضروری شناخته می‌شود.

مصرف‌کننده به‌طور عام به‌عنوان اشخاص حقیقی یا حقوقی تعریف می‌شود که برای رفع نیازهای غیرحرفه‌ای خود کالا یا خدمات مورد استفاده قرار می‌دهند. طبق ماده ۲ قانون حمایت از

از سوی دیگر، در فقه اسلامی، حمایت از طرف ضعیف‌تر در معامله، امری مقدم است و هدف، برقراری توازن میان تولیدکننده و مصرف‌کننده است. یکی از مبانی مهم برای مسئولیت تولیدکننده، قاعده غرور است. در حدیثی نبوی که میان فریقین (شیعه و سنی) مشترک است، آمده: «المغرور یرجع الی من غره»، فقها برای اثبات این قاعده به روایات مرتبط با تدلیس نیز استناد می‌کنند. همچنین در سیره عقلا، رجوع مغرور به غار و مطالبه خسارت امری پذیرفته شده است، حتی اگر غار جاهل به ضرر باشد یا تصور نفع داشته باشد (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۷۹-۲۷۸).

بر همین اساس، چنان‌چه تولیدکننده علم به فریب مصرف‌کننده داشته باشد، طبق قاعده غرور، مسئولیت مدنی بر او تحمیل می‌شود، اما اگر غار جاهل باشد، بسته به مبنای اخذشده برای قاعده غرور، وضعیت متفاوت می‌شود. اگر مبنای قاعده را روایت بدانیم یا به بنای عقلا، اجماع، قاعده اتلاف یا لاضرر استناد کنیم، نتیجه تفاوت می‌کند، در صورتی که اجماع را مبنا قرار دهیم، تنها در قدر متیقن (علم غار به فریب) می‌توان خسارت را مطالبه کرد، اما اگر مبنای قاعده اتلاف یا لاضرر باشد، میان غار عالم و جاهل تفاوتی نیست و در هر صورت ضامن خواهد بود. عمده استدلال نیز مبتنی بر امضای بنای عقلا توسط روایات است و قاعده «المغرور یرجع الی من غره» نیز در همین چهارچوب قابل فهم است (بجنوردی، ۱۴۰۱: ۱۵۵).

در مورد غش در تولید نیز فقها دو نوع حکم داده‌اند: یکی تکلیفی و دیگری وضعی. غش آشکار، مانند مخلوط کردن گندم با خاک، مکروه دانسته شده، اما غش مخفی حرمت دارد (شهید اول، ۱۴۱۰: ۳۸۸/۳). در حکم وضعی، برخی معامله را باطل دانسته‌اند، اما شهید ثانی آن را صحیح و مشمول خیار دانسته است، حتی کسانی که معامله را صحیح می‌دانند، خیار عیب، تدلیس و غبن را برای خریدار قائل‌اند (سبزواری، ۱۳۸۳: ۱۰۸).

در موارد مشابه، می‌توان به وحدت ملاک استناد کرد و مبنای جبران خسارت را قاعده اتلاف، لاضرر یا تسبیب دانست. در قاعده تسبیب، تفاوت مهمی با قاعده غرور وجود دارد، زیرا در تسبیب، فعل زیان‌بار باید مستند به مسبب باشد و اگر فاعل مختاری (مغتر) در میان باشد، مسئولیت به او برمی‌گردد و نه به مسبب، اما در قاعده غرور، چون مغتر با اراده خود اقدام کرده ولی بر اثر فریب بوده، مسئولیت برعهده غار است (طاهری، ۱۴۱۸: ۲۵۸).

از منظر فقهی، تدلیس علاوه بر حرمت تکلیفی، موجب خیار فسخ برای فریب‌خورده است. برخی منابع فقهی نیز حق مطالبه خسارت را پیش‌بینی کرده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۸: ۱۳۴/۵؛ میرزای قمی، ۱۳۷۱: ۱۷۳/۲).

یکی دیگر از مبانی مورد قبول فقها برای مسئولیت مدنی، «عیب» در کالا یا خدمت است. عیب در فقه به معنای هر نوع فزونی یا کاستی نسبت به خلقت اصلی است (شهید ثانی، ۱۴۱۸: ۲۸۹/۱).

در مقابل، فقهایمانند مقدس اردبیلی، حر عاملی و شیخ صدوق، به بطلان معامله استناد کرده‌اند با این استدلال که عقود تابع مقاصد هستند (صدوق، ۱۳۹۰: ۱۸۳/۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۸۰/۱۷).

اسلام با وضع قواعد اخلاقی، حقوقی و ضمانی نظیر تحریم ربا، تدلیس، تعزیر، نهی از احتکار و ضمان اجیر، در راستای حمایت از مصرف‌کننده و الزام تولیدکننده به ارائه کالای سالم گام برداشته است. در زمان پیامبر (ص) نظارت بر بازار وجود داشته و در دوره‌های بعد نیز استمرار یافته است (باقرزاده، ۱۳۸۱: ۷۰-۶۶). امام خمینی نیز در مسأله احتکار بر لزوم قیمت‌گذاری مناسب تأکید دارد (موسوی خمینی، ۴۱۷/۳-۴۱۶).

اتومبیل مسابقه‌ای، عدم دستیابی به سرعت بالای ۲۵۰ کیلومتر عیب محسوب می‌شود، ولی در خودروهای عادی چنین معیاری مصداق ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۴۰/۵).

شرط عدم مسؤولیت یا محدودکننده آن برای تولیدکنندگان، در پرتو اصل آزادی قراردادی که یکی از ارکان بنیادین نظام حقوقی است، قابل پذیرش است، چراکه اشخاص می‌توانند در تعیین مفاد، ماهیت و شروط قرارداد خود آزادانه تصمیم‌گیری کنند. با این حال، نظام‌های حقوقی در مواجهه با این شرط، دچار تردید شده‌اند، زیرا باید میان منافع اقتصادی و اجتماعی چنین شروطی، تعادل برقرار کرد، هرچند شرط عدم مسؤولیت ممکن است موجب افزایش کارآمدی اقتصادی برای تولیدکننده شود - به دلیل کاهش هزینه‌هایی چون بیمه و جبران خسارت - اما عدالت اقتضا می‌کند که در صورت نقض تعهدات قانونی یا قراردادی، عامل زیان، مسؤول جبران خسارت زیان‌دیده باشد.

با این حال، از آنجا که اصل بر آزادی قراردادهاست، امکان توافق طرفین برای محدود یا سلب مسؤولیت تولیدکننده وجود دارد. این نوع شروط، در فقه به «شرط عدم ضمان» تعبیر می‌شود. موافقان این شرط، آن را مبتنی بر اصولی چون آزادی قراردادی، تقسیم ریسک، کارایی اقتصادی، تشویق به نوآوری و کاهش هزینه‌ها می‌دانند که همه این موارد به افزایش تولید و بهره‌وری می‌انجامد.

براساس اصل آزادی قراردادی، اشخاص در مرحله انعقاد قرارداد، آزادند که محتوای قرارداد را تعیین کنند و به مفاد آن پایبند بمانند. از این منظر، آنچه در قرارداد پذیرفته می‌شود، عادلانه تلقی می‌گردد. بنابراین شرط عدم مسؤولیت منطبق با اراده متعاملین است و همان کسانی که تعهد را ایجاد کرده‌اند، می‌توانند آن را محدود یا نفی کنند، البته مشروط بر آن که با مصلحت عمومی تعارض نداشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳۲۵/۴)، در صورتی که توافق طرفین برخلاف قانون باشد، قاضی می‌تواند آن را باطل اعلام کند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳۲۸/۵).

#### ۵-۵- شرط عدم مسؤولیت یا محدودکننده آن برای تولیدکنندگان

اصل آزادی قراردادها مبتنی بر این پیش‌فرض است که بازار می‌تواند به تعادل و کارایی برسد و نیازی به مداخله دولت نیست. بنابراین دولت باید به توافقات خصوصی احترام بگذارد و فرض

در مواردی که ضابطه‌ای شرعی وجود ندارد، باید به عرف رجوع شود، به‌ویژه جایی که عرفاً ضرر محسوب شود، مسؤولیت مدنی ایجاد می‌شود. خيارات عیب و تدلیس و نظارت محتسب، نمونه‌هایی از اهتمام شارع به سلامت کالا و خدمات است.

حق مصرف‌کننده به اطلاع از کالای تولیدی نیز در قرآن منعکس است. آیات ۳۵ سوره اسراء و «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ» (سوره مطففین) به خیانت در وزن و پیمانه اشاره دارند. فقها در این زمینه به سه گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول، عدم تصریح به عیوب را تدلیس می‌دانند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۳۱۸/۲؛ علامه حلی، بی‌تا: ۱۸۳/۲)؛ گروه دوم آن را حيله نمی‌دانند (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸: ۱۹۱/۲)؛ گروه سوم معتقدند که عدم اعلام عیوب پنهان موجب خیار فسخ است (انصاری، ۱۴۱۶: ۲۶۲).

بنابر کلام سیدمصطفی موسوی خمینی، تشخیص عیب تابع عرف تجارت است (موسوی خمینی، ۱۳۷۵: ۲۷۷/۳). بنابراین ضمان تولیدکننده تابع معیارهای فقهی، واقعی و عرفی است. اصل اصاله‌السلامه نیز اقتضای تولید کالای سالم را دارد، به‌ویژه این که اطلاق عقد بر سلامت کالا دلالت دارد (انصاری، ۱۴۱۵: ۲۷۱/۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱۹۰/۱۱).

همچنین باید سلامت را به‌معنای ایمنی فراورده نیز در نظر گرفت. قاعده غنم نیز دلالت بر مسؤولیت مدنی دارد، چنان که پیامبر (ص) فرمود: «الرهن من صاحبه الذی رهنه، له غنمه و علیه غرمه» (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۴۶/۳). قاعده «من له الغنم فعليه الغرم» دلالت دارد که هر کس بهره‌مند می‌شود، باید زیان را نیز بپذیرد.

قاعده لاضرر نیز در این باب کاربرد دارد و فقها آن را مبنای خیار عیب می‌دانند، اگرچه در فقه سنتی تنها به ارش و فسخ در بیع پرداخته شده، اما براساس قاعده لاضرر، هر زیانی باید جبران شود.

مسؤولیت بدون تقصیر نیز در فقه پذیرفته شده است. مسؤولیت غاصب، صنعتگر، بیطار و دیگران، در مواردی بدون نیاز به اثبات تقصیر برقرار می‌شود (مواد ۳۱۰ و ۳۱۵ ق.م؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۶۱۶/۲۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۰: ۲۲۶/۲).

در نه‌هیت، صرف تکیه بر خلقت طبیعی یا نقصان مالی کالا، برای اثبات مسؤولیت کافی نیست، چراکه مسؤولیت باید درون خود کالا و براساس عرف معامله نیز بررسی شود، مثلاً در معامله

در چنین شرایطی، نباید اجازه داد طرف قدرتمند، خواسته خود را به طرف ضعیف تحمیل کند.

طرفداران کارایی اقتصادی این شروط، با فرض عقلانیت متعاملین، معتقدند که شرط عدم مسئولیت می‌تواند موجب کاهش قیمت کالا و هزینه تولید شود و نهایتاً به سود مصرف‌کننده و اقتصاد منتهی گردد.

#### ۶-۵- اثر شرط عدم مسئولیت

شرط عدم مسئولیت، در ذات خود با عقل و نظم اجتماعی منافاتی ندارد و می‌توان آن را مطابق با ماده ۱۰ قانون مدنی ایران که بر اصل آزادی اراده در قراردادهای تأکید دارد، معتبر دانست. بر این اساس، طرفین می‌توانند در چهارچوب قرارداد، تعهدات یکدیگر را تعیین و حتی از برخی مسئولیت‌ها سلب کنند. با این وجود، شرط عدم مسئولیت در همه موارد معتبر و مؤثر نیست و در برخی شرایط، نه تنها فاقد اثر حقوقی است، بلکه ممکن است نامشروع و مخالف نظم عمومی تلقی شود.

یکی از موارد مهمی که در آن شرط عدم مسئولیت بی‌اثر شناخته می‌شود، ناظر به مسئولیت تولیدکننده در برابر اشخاص ثالث است. این نوع مسئولیت برخلاف مسئولیت قراردادی که ناشی از توافق دو طرف قرارداد است، از نوع ضمان قهری محسوب می‌شود. بنابراین تولیدکننده نمی‌تواند با قراردادی که با خریدار اولیه می‌بندد، خود را از مسئولیت نسبت به خسارات وارد بر اشخاص ثالث معاف سازد.

نکته مهم دیگر، قدرت برتر اقتصادی تولیدکننده است. در عمل، این قدرت می‌تواند منجر به تحمیل شرط عدم مسئولیت به تنها مصرف‌کننده اولیه شود، حال آن که چنین تحمیلی، به‌ویژه در شرایط انحصار یا عدم توازن اطلاعاتی، خلاف عدالت و نظم عمومی خواهد بود. در واقع، عدالت اقتضا می‌کند که از حقوق مصرف‌کننده، به‌ویژه امنیت او در برابر کالاهای معیوب یا خطرناک، حمایت شود (محسنی، ۱۳۹۵: ۲۲۵-۹۷).

در همین راستا، ماده ۷ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو تصریح می‌کند که هر نوع توافق مستقیم یا غیر مستقیم میان عرضه‌کننده، واسطه فروش و مصرف‌کننده که به‌موجب آن تمام یا بخشی از تعهدات عرضه‌کننده براساس قانون یا ضمانت‌نامه به دیگری منتقل یا ساقط شود، در برابر مصرف‌کننده باطل و بلااثر است. همچنین تبصره این ماده تأکید می‌کند که

بر آن است که مصرف‌کننده با آگاهی و بدون زیان تعهدی را پذیرفته است (انصاری، ۱۳۷۵: ۲۴۹). در بازاری که انحصار وجود ندارد، رقابت میان تولیدکنندگان موجب افزایش کیفیت کالا و عقلانیت در انتخاب می‌شود. بنابراین فرض عقلایی بودن تصمیم‌گیری مصرف‌کنندگان در پذیرش شرط عدم مسئولیت تقویت می‌گردد.

از سوی دیگر، اگر قرارداد شامل شرط عدم مسئولیت باشد، ولی اجرا نشود یا دادگاه بتواند شرط را تعدیل یا جایگزین کند، چنین مداخله‌ای ممکن است آزادی اراده طرفین و کارایی اقتصادی قرارداد را خدشه‌دار کند و امنیت حقوقی تولیدکننده را کاهش دهد. در مواردی که تعهدات طرفین به شکل غیرمنصفانه‌ای نابرابر باشد یا قرارداد کاملاً به نفع یک طرف تنظیم شده باشد، دادگاه می‌تواند قرارداد را باطل یا شروط آن را تعدیل کند (انصاری، ۱۳۷۵: ۳۳۷-۳۳۶). هرچند برخی عقیده دارند که این قراردادهای لزوماً باطل نیستند، اما به دلیل ناعادلانه بودن، می‌توان آن‌ها را غیرمنصفانه تلقی کرد.

در صورت وجود نابرابری اطلاعاتی یا قدرت اقتصادی برتر در یکی از طرفین، به‌ویژه در شرایط انحصار، دادگاه می‌تواند به دلیل خلاف وجدان بودن قرارداد، به بطلان یا تعدیل آن رأی دهد (انصاری، ۱۴۱۶: ۴۰۲-۳۹۷). همچنین خودداری عامدانه یا غیرعامدانه از ارائه اطلاعات لازم یا سکوت در برابر عیوب مهم کالا که فروشنده از آن‌ها آگاه است، مصداق ارائه اطلاعات نادرست بوده و موجب مسئولیت جبران خسارت می‌شود (جنیدی، ۱۳۸۴: ۱۲-۱۴). در فقه و حقوق، سکوت عمدی در برابر عیب پنهانی یا عیبی که عرفاً مهم تلقی می‌شود، تدلیس محسوب می‌گردد و باعث ایجاد مسئولیت خواهد شد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۳۹/۵-۳۳۳).

از سوی دیگر، مصرف‌کننده هنگام خرید کالا، انتظار سلامت و ایمنی آن را دارد و این انتظاری است که به صورت تعهد ضمنی و نتیجه‌محور برعهده فروشنده یا تولیدکننده است. این تعهد جزء شروط مبنایی قرارداد محسوب می‌شود و نمی‌توان از طریق شرط عدم مسئولیت، از آن شانه خالی کرد. در بازارهای انحصاری، تولیدکننده ممکن است با سوءاستفاده از اصل آزادی قراردادی، شروط عدم مسئولیت را به شکل تحمیلی وارد قرارداد کند که به «نظریه بهره‌برداری از قدرت بازاری» معروف است و خلاف اخلاق حسنه و نظم عمومی تلقی می‌شود (انصاری، ۱۴۱۶: ۲۸۶).

ارائه دهد، اما تحلیل‌های تطبیقی و بررسی رویه قضایی نشان می‌دهد که این قوانین فاقد انسجام، جامعیت و کارآمدی لازم برای پاسخگویی به پیچیدگی‌های روابط مصرف‌کننده و تولیدکننده در عصر مدرن هستند. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین نارسایی‌های تقنینی موجود در نظام حقوقی ایران اشاره می‌شود.

#### ۱-۷-۵- فقدان قانون خاص و یکپارچه در زمینه مسؤولیت محصولات معیوب

یکی از ضعف‌های اساسی حقوق ایران، فقدان قانونی مستقل، جامع و به‌روز در زمینه «مسؤولیت مدنی ناشی از کالاهای معیوب» است. برخلاف بسیاری از کشورها که با تصویب قوانین خاص مانند قانون مسؤولیت ناشی از کالاهای معیوب در ایالات متحده یا دستورالعمل اتحادیه اروپا (EEC/۳۷۴/۸۵)، چهارچوب روشنی برای رسیدگی به این موضوع ترسیم کرده‌اند، در ایران مقررات مربوطه پراکنده، کلی و اغلب مبهم هستند. برای نمونه، در حالی که در ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان به مسؤولیت تولیدکننده اشاره شده، اما سازوکار اثبات، جبران خسارت، دعاوی جمعی و نقش نهادهای نظارتی در این قانون به‌درستی تبیین نشده است.

در واقع، به‌دلیل فقدان قانون خاص، قضات ناگزیرند در دعاوی مربوط به محصولات معیوب از قواعد عام مسؤولیت مدنی مندرج در قانون مدنی یا قانون مسؤولیت مدنی استفاده کنند که این مقررات عمده‌تاً مبتنی بر نظریه تقصیر هستند. این امر سبب می‌شود بار اثبات برعهده مصرف‌کننده باشد، حال آن‌که در بسیاری از موارد، دسترسی وی به اطلاعات فنی یا تخصصی برای اثبات عیب و تقصیر تولیدکننده امکان‌پذیر نیست. چنین وضعیتی، عملاً موجب تضعیف موقعیت مصرف‌کننده و بی‌اثر شدن اصل حمایت از طرف ضعیف‌تر قرارداد می‌شود و نیاز به بازنگری در قانون‌گذاری را دوچندان می‌کند.

#### ۲-۷-۵- نبود نظام جبران خسارت جمعی

یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایت از مصرف‌کنندگان در نظام‌های حقوقی پیشرفته، وجود سازوکار دعاوی جمعی یا گروهی است؛ امری که در ایران جایگاهی ندارد. این در حالی است که مصرف‌کنندگان ایرانی، به‌خصوص در برابر شرکت‌های بزرگ، به‌دلیل هزینه‌های سنگین و اطاله دادرسی، اغلب از طرح شکایت منصرف می‌شوند. فقدان نظام دادرسی گروهی سبب

حتی انعقاد قراردادهایی که برخلاف حقوق و تکالیف مقرر در قانون مذکور باشد، به استناد ماده ۱۰ قانون مدنی نیز مشروعیت نخواهد داشت و فاقد اعتبار قانونی خواهد بود. به بیان دیگر، اصل آزادی قراردادها در برابر منافع عمومی و حقوق مصرف‌کننده محدود می‌شود.

از سوی دیگر، باید به ماده ۴۳۶ قانون مدنی اشاره کرد که به شرط برائت از عیوب پرداخته است. این ماده در واقع نوعی شرط عدم مسؤولیت را مجاز می‌داند، اما آثار آن محدود است. به‌موجب این ماده، توافق فروشنده و خریدار برای برائت از عیب، صرفاً باعث سقوط خیار عیب می‌شود، اما مسؤولیت جبران خسارات ناشی از مبيع معیوب همچنان باقی است. بنابراین شرط برائت نمی‌تواند به‌طور کلی فروشنده یا تولیدکننده را از پیامدهای خسارت‌بار ناشی از عیب کالا معاف کند، به‌ویژه اگر زبانی به خریدار یا اشخاص ثالث وارد شود.

در مجموع، شرط عدم مسؤولیت در حقوق ایران دارای مشروعیت نسبی است و در چهارچوب اصل آزادی قراردادی، می‌تواند مورد پذیرش قرار گیرد، اما این مشروعیت مطلق نیست و در برابر مصالح عمومی، عدالت و حمایت از مصرف‌کننده، محدود می‌گردد. مسؤولیت‌های مبتنی بر ضمان قهری، خصوصاً در قبال اشخاص ثالث، خارج از دایره قرارداد هستند و نمی‌توان آن‌ها را با شروط قراردادی نادیده گرفت. همچنین اگر شرط عدم مسؤولیت به‌صورت تحمیلی یا سوءاستفاده‌آمیز به قرارداد وارد شود، به‌ویژه در بازارهای انحصاری یا در فقدان آگاهی کامل مصرف‌کننده، باطل و بلااثر خواهد بود.

درنهایت، قانون‌گذار در موارد خاص مانند قانون حمایت از مصرف‌کنندگان، صراحتاً امکان توافق بر سلب مسؤولیت را محدود یا منتفی دانسته است. بنابراین شرط عدم مسؤولیت در صورتی معتبر است که با نظم عمومی، عدالت و منافع مشروع طرف ضعیف قرارداد در تضاد نباشد.

#### ۷-۵- تحلیل حقوق ایران و بررسی خلأهای تقنینی در حوزه مسؤولیت مدنی ناشی از محصولات معیوب

علیرغم آن‌که قانون‌گذار ایران تلاش کرده است با تصویب قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان (۱۳۸۸) و آیین‌نامه‌های مرتبط، سازوکاری برای حمایت از زیان‌دیدگان ناشی از کالاهای معیوب

صمت است. با این حال، پراکندگی وظایف، نبود شفافیت در حدود اختیارات، و نبود سازوکار پاسخگویی شفاف موجب تضعیف ضمانت اجرایی قوانین شده است. براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۱)، تنها ۲۶ درصد از شکایات ثبت شده مصرف‌کنندگان در سال ۱۴۰۰ منجر به رأی قطعی و جبران خسارت شده‌اند (مرکز پژوهش‌ها، ۱۴۰۱: ۱۸).

کارآمدی قوانین حمایت از مصرف‌کننده در گرو وجود نهادهای اجرایی منسجم، پاسخگو و دارای اختیارات کافی است، درحالی که در بسیاری از کشورها نهادهای تنظیم‌گر با سازوکارهای دقیق بازرسی و ضمانت اجراهای مؤثر، مانند جریمه‌های سنگین یا توقف تولید، اعمال قانون را تضمین می‌کنند، در ایران فقدان یک نهاد مرکزی قدرتمند برای هماهنگی این وظایف موجب پراکندگی عملکردها و سردرگمی مردم در پیگیری حقوق خود شده است. تقویت نهادهای ناظر و تمرکز وظایف در یک مرجع تخصصی می‌تواند گامی مؤثر در اجرای مؤثر قانون و افزایش اعتماد عمومی باشد.

### نتیجه‌گیری

مسئولیت مدنی ناشی از محصولات معیوب به‌عنوان یکی از شاخه‌های مهم حقوق مدنی، با گسترش صنایع تولیدی و افزایش مصرف عمومی، اهمیت روزافزونی یافته است. این مسئولیت، نه تنها از منظر حمایت از مصرف‌کنندگان، بلکه از جهت ایجاد تعادل میان حقوق و تعهدات تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مورد توجه قرار دارد. در جهان امروز که کالاها از پیچیدگی‌های فنی برخوردارند و مصرف‌کنندگان اغلب توانایی ارزیابی خطرات ناشی از مصرف آن‌ها را ندارند، نظام‌های حقوقی نمی‌توانند صرفاً به اصول سنتی همچون تقصیر بسنده کنند.

در تحلیل نظری، مسئولیت مدنی تولیدکننده ممکن است بر مبنای تقصیر، فرض تقصیر یا مسئولیت محض استوار باشد. هریک از این مبانی نقاط قوت و ضعف خاص خود را دارد؛ با این حال، تجربه حقوقی کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، اثبات تقصیر تولیدکننده نه تنها دشوار، بلکه غیرممکن است. به همین دلیل، گرایش به سمت فرض تقصیر و در برخی موارد مسئولیت محض، به‌ویژه در مورد کالاهای خطرناک یا پرمصرف، رایج‌تر شده است.

شده است تولیدکنندگان بدون نگرانی از پیگیری‌های گسترده، مسئولیت‌پذیری را نادیده بگیرند (کریمی، ۱۴۰۰: ۱۰۵). داووی جمعی، نه تنها باعث افزایش کارایی نظام قضایی می‌شوند، بلکه به مصرف‌کنندگان اجازه می‌دهند که بدون صرف هزینه‌های بالا، برای احقاق حقوق خود اقدام کنند. همچنین وجود این نظام موجب افزایش نظارت اجتماعی و حقوقی بر عملکرد شرکت‌های تولیدی و خدماتی می‌شود و آن‌ها را به رعایت دقیق‌تر استانداردهای کیفی سوق می‌دهد. عدم وجود این نهاد در نظام حقوقی ایران، عملاً قدرت چانه‌زنی مصرف‌کنندگان را کاهش داده و زمینه سوءاستفاده شرکت‌های متخلف را فراهم کرده است. این خلأ در سیاست‌گذاری تقنینی می‌تواند با الگوبرداری از مدل‌های موفق جهانی به‌ویژه نظام‌های حقوقی اروپایی جبران گردد.

**۳-۷-۵- ضعف در شناسایی مسئولیت سایر عوامل زنجیره تأمین**  
در بسیاری از موارد، خرده‌فروشان یا توزیع‌کنندگان کالا از ارائه اطلاعات تولیدکننده امتناع کرده یا تولیدکننده مشخص نیست. در این موارد، در قوانین ایران تصریح روشنی مبنی بر جایگزینی فروشنده یا توزیع‌کننده به‌عنوان مسؤل وجود ندارد. این درحالی است که ماده ۳ دستورالعمل اتحادیه اروپا تصریح می‌کند: اگر تولیدکننده مشخص نشود، هر شخصی که محصول را عرضه کرده مسؤل شناخته می‌شود، مگر این‌که ظرف مدت معقولی اطلاعات لازم را ارائه دهد (Directive 85/374/EEC, Article 3).

نبود چنین قاعده‌ای در نظام حقوقی ایران موجب می‌شود که مصرف‌کننده در مواجهه با کالای معیوب و فقدان اطلاعات شفاف از زنجیره تولید، در پیگیری حقوق خود دچار سردرگمی و بن‌بست شود. این وضعیت عملاً باعث نوعی «مصونیت غیررسمی» برای عرضه‌کنندگان غیرشفاف می‌شود و آن‌ها را از مسئولیت‌پذیری قانونی دور نگه می‌دارد. پیش‌بینی صریح مسئولیت توزیع‌کنندگان و خرده‌فروشان در صورت عدم همکاری در شناسایی تولیدکننده، می‌تواند به ارتقای شفافیت زنجیره تأمین، افزایش اطمینان مصرف‌کننده و تقویت نظارت غیرمستقیم بر تولیدکنندگان بیانجامد.

### ۴-۷-۵- ضعف در نهادهای نظارتی و ضمانت اجرای قوانین

نظارت بر کیفیت کالاها و نحوه عرضه آن‌ها در ایران برعهده نهادهایی چون سازمان ملی استاندارد، تعزیرات حکومتی و وزارت

اجتناب‌ناپذیر است. این بازنگری باید در راستای حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، تقویت فرهنگ تولید ایمن، تسهیل فرآیند اثبات خسارت و گسترش عدالت ترمیمی باشد. تنها در چنین شرایطی است که می‌توان انتظار داشت نظام مسؤولیت مدنی نه تنها ابزاری برای جبران خسارت، بلکه عاملی مؤثر در پیشگیری از وقوع آن باشد.

بر این اساس، پیشنهادهای زیر برای اصلاح و بهبود وضعیت فعلی ارائه می‌شود:

۱- تدوین قانون خاص «مسؤولیت مدنی ناشی از محصولات معیوب»: پیشنهاد می‌شود قانون مستقلی مشتمل بر تعریف دقیق مفاهیمی چون «محصول معیوب»، «زیان مصرف‌کننده»، «رابطه سببیت» و «مسؤولیت بازیگران زنجیره تأمین» تدوین شود تا از پراکندگی مقررات و تفاسیر ناهماهنگ جلوگیری شود. این قانون می‌تواند با الهام از دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا و قوانین کشورهای پیشرو تدوین گردد.

۲- ایجاد سازوکار دعاوی گروهی برای مصرف‌کنندگان: ایجاد نهادی مستقل یا تقویت سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان به منظور پیگیری جمعی شکایات، به کاهش هزینه‌های دادرسی و افزایش کارآمدی رسیدگی‌ها کمک شایانی می‌کند. این سازوکار باید امکان تشکیل پرونده‌های گروهی علیه شرکت‌های متخلف را فراهم آورد.

۳- تعیین مسؤولیت صریح توزیع‌کنندگان و فروشندگان: در مواردی که تولیدکننده مشخص نیست یا کالا از طریق کانال‌های غیررسمی عرضه می‌شود، توزیع‌کننده باید مسؤول تلقی شود، مگر این که ظرف مدت معینی اطلاعات تولیدکننده یا واردکننده را اعلام کند. این امر سبب افزایش شفافیت در زنجیره تأمین می‌گردد.

۴- ارتقای نظارت نهادهای ذی‌ربط و افزایش ضمانت اجراها: بازنگری در ساختار و اختیارات سازمان ملی استاندارد، سازمان تعزیرات و وزارت صمت، با هدف تمرکز بر کیفیت نظارت و افزایش پاسخگویی، از جمله اقدامات ضروری برای تضمین اثربخشی قوانین در این حوزه است. همچنین باید مجازات‌های کیفری و مالی بازدارنده برای عرضه‌کنندگان کالای معیوب پیش‌بینی شود.

ارکان مسؤولیت مدنی در این حوزه شامل وجود عیب در محصول، ورود خسارت و احراز رابطه سببیت میان آن دو است. عیب ممکن است در طراحی، ساخت یا اطلاع‌رسانی درباره محصول باشد. اثبات این عناصر، به‌ویژه در خصوص رابطه علیت، همواره چالش‌برانگیز بوده است، زیرا در بسیاری موارد خسارت با فاصله زمانی از مصرف کالا واقع می‌شود یا عوامل دیگری نیز در بروز آن دخیل هستند. از این رو، نظام‌های حقوقی با پذیرش نظریه‌های تسهیل‌کننده بار اثبات، به نفع مصرف‌کننده گام برداشته‌اند.

در حقوق ایران، با وجود اصول کلی مسؤولیت مدنی در قانون مدنی (ماده ۱ و ۳۲۸) و قانون مسؤولیت مدنی، هنوز نظام منسجم و مستقلی برای مسؤولیت ناشی از محصولات معیوب تدوین نشده است. این موضوع موجب شده تا رویه قضایی و دکترین حقوقی با ابهامات و چالش‌هایی در تعیین مبنای مسؤولیت، نحوه اثبات عیب و خسارت و حدود مسؤولیت مواجه باشند. نبود قوانین صریح، مصرف‌کنندگان را در شرایطی نابرابر در برابر تولیدکنندگان قرار می‌دهد و دستیابی به جبران خسارت را برای آن‌ها دشوار می‌سازد.

بررسی تطبیقی با نظام‌های حقوقی، مانند حقوق اتحادیه اروپا و ایالات متحده نشان می‌دهد که آنان با پذیرش مسؤولیت محض در موارد معین و نیز ایجاد نهادهای پشتیبان، مانند بیمه‌های مسؤولیت و مکانیزم‌های جبران گروهی، موفق به برقراری توازن بهتر میان حمایت از مصرف‌کننده و ملاحظات اقتصادی تولیدکنندگان شده‌اند. همچنین وضع مقررات خاص درباره کیفیت کالاها، استانداردهای ایمنی و مسؤولیت تولیدکننده برای هشدار دادن درباره خطرات محتمل، نقشی اساسی در کاهش دعاوی حقوقی ایفا کرده است. در همین راستا، نظریاتی همچون نظریه تضمین ایمنی کالا، نظریه خطر و حتی نظریه‌های اقتصادی حقوق، مانند کارایی هزینه‌ها مطرح شده‌اند که همگی بر ضرورت انتقال ریسک از مصرف‌کننده ناآگاه به تولیدکننده آگاه تأکید دارند. این نظریه‌ها، مشروعیت دخالت قانون‌گذار در تنظیم روابط خصوصی در بازار کالا را توجیه می‌کنند و مسؤولیت‌پذیری بیشتر تولیدکنندگان را تضمین می‌نمایند.

در پایان، با توجه به تحولات حقوقی بین‌المللی و نیازهای رو به رشد جامعه مصرف، بازنگری در قوانین مسؤولیت مدنی ایران با تأکید بر وضع مقررات خاص درباره محصولات معیوب، ضرورتی

- ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و و امانتداری رعایت شده است.
- تعارض منافع:** در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.
- سهم نویسندگان:** نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.
- تشکر و قدردانی:** از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.
- تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش فاقد تأمین‌کننده مالی بوده است.
- منابع**
- الف. منابع فارسی**
- احسان‌بخش، غ. و بابائی، د. (۱۳۹۵). مسئولیت مدنی تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان دارو. فصلنامه تازه‌های حقوقی؛ مجله حقوقی، (۱)، ۱-۲۳.
- انصاری، س.م. (۱۴۱۶ق). المکاسب. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- بادینی، ح. (۱۳۹۱). نقدی بر مبنا و قلمرو مسئولیت مدنی عرضه‌کنندگان کالا و خدمات در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان ۱۳۸۸. مجله تحقیقات حقوقی، (۵۸).
- بادینی، ح.، شعبانی کندسری، ه. و رادپرور، س. (۱۳۹۱). مسئولیت محض؛ مبانی و مصادیق. مجله مطالعات حقوق تطبیقی، (۱)، ۱۹-۳۶.
- باقرزاده، ا. (۱۳۸۱). بازار/ دولت/ حقوق مصرف‌کننده. قم: مؤسسه توسعه علم.
- بجنوردی، ح. (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیه. قم: انتشارات الهادی.
- بجنوردی، م. (۱۴۰۱ق). قواعد الفقهیه (چاپ سوم). قم: مؤسسه عروج.
- بحرانی، ی. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة (ج ۲۵). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- بزرگ‌مهرزاده، د. (۱۳۸۵). مسئولیت مدنی تولیدکنندگان کالا. مجله حقوقی دادگستری، (۵۴).
- جابری، ع.ا. (۱۳۸۶). حقوق مصرف‌کننده (چ ۵). تهران: دادیار.
- جعفری لنگرودی، م.ج. (۱۳۷۶). ترمینولوژی حقوقی (چ ۳). تهران: گنج دانش.
- جعفری تبار، ح. (۱۳۷۵). مسئولیت مدنی کالا (چ ۲). تهران: انتشارات دادگستر.
- جنیدی، ل. (۱۳۸۱). بررسی مقایسه‌ای از تعهد به ارائه اطلاعات با تأکید بر سیستم‌های قانونی. دانشکده حقوق.
- جنیدی، ل. (۱۳۸۴). تحلیل بر حقوق مصرف‌کنندگان و ضرورت طرح و تصویب لایحه حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان در ایران. در پنجمین همایش حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان. تهران: سازمان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان.
- خسروی، م. (۱۴۰۰). رابطه سببیت در مسئولیت مدنی تولیدکننده از منظر فقه و حقوق ایران. مجله دانش حقوق، (۳)، ۱۲-۳۸.
- دادگاه تجدید نظر استان تهران، پرونده شماره ۹۸۰۹۹۷۰۲۲۹۸۰۰۳۹۶؛ شعبه ۲۱ دادگاه حقوقی تهران، پرونده شماره ۰۰۰۹۹۷۰۲۱۸۵۰۱۱۵۴.
- داراب‌پور، م. (۱۳۸۷). مسئولیت‌های خارج از قرارداد (چ ۱). تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد.
- رأی وحدت‌رویه شماره ۷۷۳ مورخ ۲۰/۱۲/۱۳۹۸، هیأت عمومی دیوان عالی کشور.
- رأی وحدت‌رویه شماره ۷۷۳، هیأت عمومی دیوان عالی کشور. (۱۶/۳/۱۳۹۸). روزنامه رسمی، شماره ۲۱۹۵۷.
- سبزواری، س.ع. (۱۳۸۳). مهذب الأحكام (چاپ چهارم، ج ۳۰). قم: مؤسسه المنار.
- سیمایی‌صراف، ح. و اسفندی، ج. (۱۳۹۶). اصل آزادی اراده و حمایت از مصرف‌کننده؛ تأملی بر شروط محدودیت و معافیت در حقوق مسئولیت تولید. مجله مطالعات حقوقی، (۱)، ۹.

- صفایی، س. (۱۳۹۰). مسؤولیت مدنی (چاپ دوازدهم). تهران: نشر میزان.
- صفایی، س. (۱۳۹۳). جمع بین فسخ و مطالبه خسارت در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران. در مجموعه مقالات اهدایی به دکتر بهروز اخلاقی. تهران: شهر دانش.
- صفایی، س.، و رحیمی، ح. (۱۳۹۸). مسؤولیت مدنی (چ ۱۲). تهران: انتشارات سمت.
- قاسمی‌حامد، ع. (۱۳۷۷). معرفی حقوق مصرف. مجله حقوقی دفتر خدمات بین‌المللی نهاد ریاست‌جمهوری، (۲۳).
- قاسمی‌حامد، ع.، و خالدی‌دوبرجی، پ. (۱۳۹۱). مسؤولیت خسارات وارده به مصرف‌کننده کالای معیوب و خطرناک در قوانین جاری. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۱۲(۲)، ۱۶۹-۱۸۶.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۷۸). قواعد عمومی قراردادها (ج ۴). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۴). مسؤولیت ناشی از عیب تولید (چ ۱). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۷). قواعد عمومی قراردادها. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۷). محدودیت‌های آزادی قراردادی بر مبنای حمایت از مصرف‌کننده. فصلنامه حقوق، ۳۸(۳).
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۸). حقوق مدنی: الزامات خارج از قرارداد (مسؤولیت مدنی). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کریمی، ز. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی مسؤولیت مدنی ناشی از کالاهای معیوب در حقوق ایران و اتحادیه اروپا. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (۹۴)، ۱۰۳-۱۱۰.
- کلینی، م. (۱۳۸۱). اصول کافی. تهران: مکتب الصدوق.
- کلینی، م. (۱۴۰۷). الکافی (جلد ۸). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۱). گزارش عملکرد اجرای قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده. تهران: گروه مطالعات حقوقی.
- موسوی خمینی، ر. (۱۴۱۰ق). کتاب البیع. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- موسوی خمینی، ر. (۱۴۲۱ق). کتاب البیع (جلد ۵). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، س.م. (۱۳۷۵). کتاب الخیارات. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی، ا.، نظری، ف.، و رضایی، م. (۱۴۰۲). تحلیل مفهوم عیب در محصولات صنعتی و اثر آن بر تحقق مسؤولیت مدنی. فصلنامه پژوهش‌های حقوقی معاصر، ۶(۲)، ۷-۵۹.
- میرزاده، ن. (۱۴۰۱). محدوده جبران خسارات در مسؤولیت ناشی از کالاهای معیوب. مجله حقوق بازار، (۴۵)، ۸۳-۹۵.
- میرزای‌قمی، م.ا. (۱۳۷۱). جامع الشتات. تهران: انتشارات کیهان.

#### ب. منابع انگلیسی

- Baker, CD. (1972). Torts. Sweet and Maxwell, London.
- Barnes, DW & Stout, LA. (1992). The Economic Analysis of Tort Law. West Publishing Co., U.S.A.
- Benohr, M. (2020). The United Nations guidelines for consumer protection: Legal implications and new frontiers. Journal of Consumer Policy, 43, 105.
- Bolger, W. (1983). The Harmonisation of European Products Liability Law. Fordham International Law Journal, 7(1).
- Cavaliere, A. (2004). Product Liability in the European Union: Compensation and Deterrence Issues. European Journal of Law and Economics, 18.
- Council Directive 85/374/EEC of 25 July 1985 on the approximation of the laws, regulations and administrative provisions of the Member States concerning liability for defective products.

- Fischer, DA Powers, W. (1994). Product Liability: Cases and Materials (2nd ed.). West Publishing Co.
- Geistfeld, M. (1999). Products liability. New York University School of Law, 51(40).
- Harpwood, V. (2000). Principles of Tort Law (4th ed.). London: Cavendish Publishing Ltd.
- Hodges, CJS. (2000). Product Liability in Europe: Evaluating the Case for Reform. BLI, International Bar Association, 4(3).
- Rollo, R. (2004). Products liability: Why the European Union doesn't need the Restatement (Third). Brooklyn Law Review, 69(3).
- Schulze, R. (2021). Product Liability in the EU: Development and Challenges. European Law Journal, 27(2), 115–129.

#### ج. نصوص قانونی

- آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، مصوب ۱۳۹۰، وزارت صمت.
- آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از مصرف‌کنندگان، مصوب ۱۳۹۰.
- قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، مصوب ۱۳۸۸.
- قانون مسئولیت مدنی، مصوب ۱۳۳۹.